

نگاه از درون

صدای آشنای وطنی

محمدرضا طورانی

شرق : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران برای هموطنان خارج از کشور ، رادیویی را راه‌اندازی کرده است به نام **صدای آشنا**، محمدرضا طورانی از برنامه‌سازان این رادیو در یادداشتی کوتاه از دلایل راه‌اندازی این رادیو نوشته است.

■ ■ ■

در فرهنگ شفاهی، حس شنوایی حکمفرما است.

حسی که تأثیر بسیار زیادی در تثبیت و ماندگاری موضوعی ویژه در ذهن دارد. در نتیجه رابطه بین سخن و ذهن رابطه‌ای قدیمی و در عین حال مدرن است به همین دلیل است که گویلز در آلمان به واسطه اعجاز این حس انتقالی در افکار عمومی آلمانی‌ها به نفع هیتلر انجام می دهد.

رادیو بی‌بی‌سی به واسطه همین قدرت با پخش یک دروغ تکنیکی، سربازان آلمانی را وادار به تسلیم می‌کند و همچنین انتشار و بازتاب اخبار رادیوی غربی منتج به فروریختن دیوار برلین و از بین رفتن دنیای کمونیست می‌شود. از یاد نبریم که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران رسانه‌های غربی به صورت مستمر در جهت تخریب جایگاه و جلوه این انقلاب در بین اذهان عمومی دنیا وارد عمل شدند و در مقابل رسانه ملی جمهوری اسلامی نیز در جهت مقابله با این روند وارد عمل شد و ابتدا شبکه‌های تصویری متعددی را راه‌اندازی کرد اما در یک مقطع تاریخی تصمیم به ایجاد شبکه رادیوی برای ایرانیان خارج از کشور گرفته شد اما چرا و چه نتیجه‌ای داد؟

فرهنگ غنی ایرانی– اسلامی جلوه‌های بسیار غنی در حوزه موسیقی و ترانه‌های قوی دارد و این ظرفیت و پتانسیل می‌تواند تأثیر بسیار زیادی در ارتباط فرهنگ و هنر در بین ایرانیان خارج از کشور داشته باشد. از دیگر سو در بین دنیای نامحدود شبکه‌های تلویزیونی و تصویری غرب قطعاً، حس شنوایی می‌تواند کارکرد بسیاری را در بین مخاطبانی داشته باشد که در این دریای تصویر نیست به صدا از خود ابراز علاقه و تمایل نشان می‌دهند. نکته دیگر اینکه با توجه به شرایط و چارچوب‌های اعتقادی و ارزشی در شبکه‌های تلویزیونی وطنی مانند جام‌جم نمی‌توان و نباید از بعضی تصاویر استفاده کرد و این خود ممکن است برای بعضی مخاطبان نوعی طیفه‌بندی را ایجاد کند اما این محدودیت بیستپنا در صدا تأثیر گذار نخواهد بود و قطعاً توانمندیی بیشتری در جذب مخاطبان ایرانی خارج از کشور خواهد داشت. از دیگر سو ، با توجه به اینکه در دنیای دیجیتال حجم اطلاعات و انبوه اخبار بسیار زیاد است و این امر در تصویر هزینه‌های بیشتری را به دنبال خواهد داشت رادیو می‌تواند به واسطه کم هزینه بودن مقرون به صرفه باشد و طبیعتاً اخبار و اطلاعات واقعی و حقیقی را برای مخاطبان خارجی در مقیاس وسیع‌تر به همراه داشته باشد.

همچنین جایگاه و کارکرد رادیو در غرب جا افتاده است چنان‌که رادیوهای محلی دارای مخاطبان زیاد و ثابت است و طبیعتاً فرهنگ استفاده از رادیو در غرب کاملاً تثبیت شده است. به همین منظور صدای آشنای وطنی می‌تواند مورد استقبال هموطنان ایرانی مقیم خارج قرار گیرد. ایجاد ارتباط علمی و کارشناسی در جهت انعکاس موفقیت‌های کشورمان در حوزه‌های مختلف علوم و فنون نیز یکی دیگر از کارکردهای صدای آشنا است. تا به عنوان آبرازی در جهت بازتاب صحیح و دقیق واقعیت‌های کشورمان باشد.

با انعکاس پیشرفت‌های اقتصادی و توسعه‌ای کشور قطعاً زمینه‌های جذب ایرانیان و سرمایه‌های آنان در داخل کشور نیز یکی دیگر از تأثیرات این رادیو است. آزادی بیان و ارتباط آسان مخاطبان خارجی با این رادیو می‌تواند سیاه‌نمایی‌های غرب را در قبال ایران خشتی کند.

بسیاری از آداب و رسوم سنتی فرهنگ ایرانی– اسلامی نیز می‌توانند از طریق این رسانه در مناسبت‌های ویژه مذهبی و تاریخی نوعی بازتولید فرهنگی در بین مخاطبان ایرانی خارج از کشور به‌ویژه جوانان و نوجوانان داشته باشد. در هر صورت صدای آشنا صدایی تأثیرگذار در بین ایرانیان خارج از کشور خواهد بود.

خبر

رادیو فرهنگ با شکوه ایرانی

ایسنا : «شکوه ایرانی» رادیو فرهنگ در فرصت ۳۰ دقیقه‌ای به معرفی جاذبه‌های تاریخ ایران‌زمین می‌پردازد.

این هفته «شکوه ایرانی» به معرفی آثار تاریخی و جاذبه‌های دیدنی شوشتر اختصاص دارد که با حضور کارشناس برنامه مهندس ندا ضیاء‌بخش این آثار تاریخی معرفی می‌شود. این برنامه به‌گونه‌ی پرورانه به‌روزشن و تهیه‌کنندگی حمیدرضا مقدسی و سردبیری محمدرضا حاج‌حیدری از رادیو فرهنگ پخش می‌شود.

در برنامه «شکوه ایران» سرزمین کهن و باستانی ایران یکی از غنی‌ترین و کهن‌ترین تمدن‌های جهان است. این تمدن با داشتن یک میلیون و دویست هزار اثر تاریخی و محوطه باستانی از نظر تنوع و تعداد آثار تاریخی جزء هفت تمدن مطرح جهان به‌شمار می‌رود، متأسفانه سرزمین ایران با داشتن این آثار پرشمار هنوز هم از ناشناخته‌ترین تمدن‌ها به‌شمار می‌رود تا جایی که بسیاری از ایرانیان هنوز نمی‌دانند که بیشاپور کجاست یا شهر باستانی دستوا کجا واقع شده است؟ برنامه «شکوه ایران» هر هفته روزهای دوشنبه از ساعت ۱۶ و ۳۰ دقیقه الی ۱۷ از شبکه فرهنگ موج FM پخش می‌شود.

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو

رادیو



آن کارپف نویسنده صفحه رادیوی روزنامه گاردین یکی از مهمترین آسیب‌های نمایش رادیویی را لابی واژه‌ها و هجوم بی‌امان لشکر صدا می‌داند. به‌نظر او این آسیب بیش از هر چیز ناشی از ضعف آموزش و پژوهش در حوزه قواعد زیبایی‌شناسی نمایش رادیویی و ناآشنایی با کارکردهای شگفت‌انگیز

صدا، سکوت، موسیقی و تمهیدات ویژه صوتی در رادیو است. جرمی مونتايمر از کارگردانان صاحب

سبک نمایش رادیوی بی‌بی‌سی نیز معتقد است صدابردار در نمایش رادیویی حکم فیلمبردار در فیلم سینمایی را دارد؛ درست همان‌طور که فیلمبردار چشم کارگردان و واسطه انتقال اندیشه‌های نویسنده و احساس بازیگر است، در نمایش رادیویی نیز صدابردار، در مقام هنرمندی با گوش حساس و تربیت شده و تکنسینی ماهر، ثمره ساعت‌ها تمرین و تلاش گروه برای آفرینش یک اثر هنری را در قالب صدا به مخاطب منتقل می‌کند.

■ **تهران، مرداد ۸۵، ساعت ۱۲ ظهر، میدان پانزده خرداد**

میدان پانزده خرداد (ارک سابق)، چهارراه

گلپوندک، در ظهر داغ این واپسین ماه تابستان سرشار

از زندگی است. زندگی در ازدحام ماشین‌ها و آدم‌ها و

در التهاب این هوای داغ دودآلود جاری است. در

فراخوان‌های مکرر دستفروش‌ها، و در حضور مردمی

که سوار بر قطار زیرزمینی، از همه‌جای تهران می‌آیند

تا شوق تمام‌شدنی‌شان برای خریدن را پاسخ گویند.

کمی آن‌سوتر در ضلع غربی میدان ارک، ساختمان

رادیو تهران قرار دارد. در دالان تاریک اداره کل نمایش

به دنبال استودیو شماره هشت می‌گردم. می‌خواهم

درباره صدابرداری نمایش گزارشی تهیه کنم، گفته‌اند

این استودیو بهترین استودیوی ضبط نمایش در ایران

است. استودیو شماره هشت خارج عمارت قدیمی اداره

نمایش و در انتهای حیاط است. وارد اتاق کوچکی و

تاریک و دلگیری می‌شوم که می‌گویند اتاق فرمان

استودیو شماره هشت است.

باور نمی‌کنم این اتاق محقر و کم‌نور، با این هوای

خفه و گرم، با این درواهی‌های که جابه‌جا ترک خورده و

پوشش آکوستیکی‌شان فرو ریخته، و این میز کهنه و

زهرار در رفته صدا که از جعبه‌خط، به‌طور معمول ده

تا دوازده خطش خراب است و با این میکروفن‌ها و

تجهیزاتی که دست‌کم شش دهه از عمرشان می‌گذرد،

آبروی رادیوی ماس! سخت است پیدایی در این

استودیو که حالا مثل جزیره‌ای غریب رها شده،

روزگاری بزرگانی چون بنان، و زبیری و صبا و بسیاری

از هنرمندان تئاتر و ادیبان ما زیباترین آثار هنری‌شان را

به گوش مردم رسانده‌اند. هنرمندان استودیو شماره

هشت مشغول ضبط نمایش «مرگ سینما» یوجین اونیل

هستند، در داخل استودیو ژاله علو در مقام کارگردان

بازی اوب آقاخانی در نقش راجرز و مهدی طهماسبی

در نقش ای‌ا در هدایت می‌کنند و این طرف در اتاق فرمان،

فریبرز گلبن تهیه‌کننده پیشکسوت رادیو در حالی که نوار

موسیقی روی ریل می‌کارد با صدابردار درباره متن

صحبت می‌کند. به انتظار پایان نمایش می‌نشینم تا

اینکه محمد مهاجر، یکی از تهیه‌کننده‌های نمایش

رادیویی، از راه می‌رسد و مرا به علی حاجی‌نوروزی

صدابردار معرفی می‌کند که پس از سی و پنج سال کار

مدام در ششمین دهه از زندگی‌اش همچنان با دقت و

تمرکز کار می‌کند. او از یک سو به متن، به بازی

بازیگران و صحبت‌های تهیه‌کننده توجه دارد و از سوی

دیگر انگشتانش مانند موزیسینی توانا، مدام روی

کلیدهای کهنه میز زهوار در رفته صدا می‌لغزند.

صدابردار پیشکسوت رادیو ما گفت و گو را به بعد از

ضبط نمایش موکول می‌کند. برخی از آنها

در ورودی کوچک اتاق فرمان از محمد مهاجر

می‌پرسم: اینجا واقعاً بهترین استودیوی ضبط نمایش

رادیویی ماست؟

مهاجر پاسخ می‌دهد: «این استودیو به خاطر حجم

و ارتفاع (معماری استودیو) اهمیت دارد اما باقی

امکاناتش بسیار قدیمی است. در اینجا حتی صندلی

درست و حسایی نیست که وقتی بازیگر می‌نشیند و بلند

می‌شود صدا نهد! ما در این استودیو برای تولید افکت

که از مهمترین بخش‌های تولید نمایش رادیویی است با

مشکلات زیادی روبه‌رو هستیم، در حالی که هزینه

یک دستگاه افکت‌ساز حداکثر چهارصد تا پانصد هزار

تومان است، این استودیو فقط طرح جهان به‌شمار

سی دی دارد که آن‌هم همین یکی دوماه پیش آورده

شد. «مهاجر توضیح می‌دهد که چگونه بارها و بارها

در حین کار، وقتی بازیگران در حس نقش فرورفته‌اند

و آفرینش هنری به اوج خود رسیده، ناگهان دستگاه از

کار می‌افتد: «گاهی هم بعد از ضبط می‌بینم یک جایی

ضبط نشده بعد می‌فهمیم کابل پوسیده قطع شده و

میکروفن کار نکرده است.» از مهاجر می‌پرسم تجهیز

رادیو



گزارشی درباره وضعیت صدابرداری در رادیو

مرثیه‌ای در سوگ صدایی که می‌شنویم

مهسا رضوی

این استودیو هزینه بالایی نیاز دارد؟ «نه خانم. اصلاً و ابداً، بهترین برنامه‌های رادیو، یعنی برنامه درجه الف که نمایش رادیویی است در این استودیو ضبط می‌شود، اینجا مهد رادیوی ما است، هنرمندان بزرگ ادبیات و تئاتر و موسیقی ما در این استودیو هنرنمایی کردند و بی‌توجهی به آن بی‌حرمتی به شصت سال هنر بزرگترین هنرمندان این مرز و بوم است. اگر دستمزد نویسنده و کارگردان تهیه‌کننده و صدابردار از هفت، هشت سال پیش تاکنون تغییری نکرده است، دست‌کم امکاناتی مورد نیاز باید در اختیار آنها قرار گیرد، این مکان و این هنرمندان حرمت دارند و تجهیز استودیو احترام به هنرمند و مخاطب است و نتیجه مستقیم روی کیفیت اثر هنری دارد. دستگاه‌های اینجای اینقدر قدیمی است که هیچ‌کس باور نمی‌کند از چنین دستگاه‌های ناقصی صдаهایی با این کیفیت بیرون بیاید.»

ضبط تمام‌شده، بازیگران با کارگردان و تهیه‌کننده خوش‌بشی می‌کنند و از هم جدا می‌شوند. حاجی‌نوروزی با وجود خستگی ناشی از چند ساعت کار مداوم با صبر و حوصله به پرسش‌هایم پاسخ می‌دهد. فریبرز گلبن در همان حال که نوارهایش را از روی ریل‌ها جمع می‌کند و آماده رفتن می‌شود، به من یادآوری می‌کند که: «این آقای حاجی‌نوروزی استاد صدابرداری ما است.»

وقتی در دو دوره گذشته جشنواره صدا اهل شد جایزه‌اش را به شنونده‌های نمایش رادیویی تقدیم کرده چون معتقد است: «به عشق شنونده، به‌خاطر او کار می‌کنم. وقتی کار می‌کنم نه فقط دست‌ها یا گوش‌هایم، بلکه اندیشه و حس و عاطفه و وجدانم هم کار می‌کند. من خودم را جای شنونده‌ای می‌گذارم که با امیدِی رادیو را روشن کرده و حالا باید مرا به‌ترین کیفیت ممکن بشنود، من باید به او احترام بگذارم و این برای من صدابردار خیلی مهم است.» حاجی‌نوروزی همیشه شنونده‌اش را یک شنونده خاص و حساس در نظر می‌گیرد که کوچک‌ترین ناهنجاری در صدا را تشخیص می‌دهد.

اگر در استودیو‌های تولید و پخش رادیو حاضر شوید حتماً متوجه خواهید‌شد که به استثنای معدود صدابرداران توانای نسل جدید، اکثر صدابرداران رادیو، یعنی صدابرداریانی که قرار است با صدا همان قدر هنرمندانه کار کنند که فیلمبردار با تصویر، در واقع صرفاً متصدی فنی صدا یعنی کسانی هستند که به‌جز تسلط بر کلیدهای میز صدا و کنترل ورودی‌ها و خروجی‌ها، هیچ نقش دیگری در کیفیت صدا ندارند. برخی از آنها



ایستگاه شخصی

مشکلات این صداهای زیبا

سام فرانزه
Sam.farzaneh@gmail.com

حتماً واقعیت نیست. اما حسرتش را داشتن، به معنی اینکه حسرت چیزی نشدنی را داری نیست. می‌شود که بشود. اما نمی‌شود. آقا صحبت از یک برنامه رادیویی است که گوینده‌اش مانند آقای پیمان در سریال تلویزیونی «راه شب» باشد. گوینده‌ای که گروه دسته‌ای کاغذ در دست گرفته اما خودش می‌داند که چه بگوید و چطور بگوید. از جنس صدایش هم که حرفی نزنیم بهتر است. زیبایی و گیرایی صدای آقای «ناصر ممدوح» چیزی نیست که لازم به توضیح داشته باشد. این را هم بگویم که اصلاً به عقل جور در نمی‌آید که زنی در خانه سالمندانی پیدا‌شود و برای ازدواج بخواند از مجری رادیو اجازه بگیرد. اصلاً هم فکر نمی‌کنم که امکان داشته باشد کار یک مدرسه معلولان ذهنی با چک و چانه زدن‌های رادیویی راه بیفتد. همه چیز این سریال (مثل فیلم‌های هالیوودی) غیرقابل باور و البته جذاب است.

حسرت برنامه‌ای مانند این «راه شبی» که سریال‌شده را به دل ندارم. همان‌طور که نوشتم، حسرت گوینده‌ای را به دل دارم که بتواند چنین مسلط، آگاه و خوش صدا باشد. بیچ رادیو را که به این طرف و آن طرف بتابانید، یک دو جین صدا می‌شنوید. اکثریت آنها صдаهایی زیبا هستند، که شبیه هم هستند و نمی‌توانید صاحبان آنها را مخصوصاً اگر خانم باشند از هم تشخیص دهید. این صдаهای زیبا معمولاً یا از روی متن می‌خوانند که برنامه می‌شود چیزی شبیه برنامه خبر که رسمی و خشک است. یا آنکه صдаهای زیبا مشغول بیان حرف‌های بی‌ربط هستند که احتیاج به مثال هم ندارد، بیشتر برنامه‌های زنده رادیو به این هنر آراسته‌اند. همان‌طور که نوشتم بخشی از صداهای شنیده‌شده در رادیو هم صداهای ناخوشی هستند که همه‌جور مشکلی دارند. این صدا‌ی کارشناسان رادیو است که صدایشان یا خس‌خس می‌کند، یا از شدت ترس از استودیو می‌لرزد. یا لکنت دارند یا صدای جیغ دارند. بعضی از حرف‌ها را بلد نیستند درست تلفظ کنند.

این کارشناسان کسانی هستند که در زمینه‌های مختلفی تخصص دارند از تاریخ جاجیم‌یافی در ایران تا شجره‌نامه فیدل کاسترو در کوبا و آن رفیق انقلابی‌اش. اگر برنامه‌های رادیو آموزنده یا در اطلاع‌رسانی موفق هستند، به خاطر همین کارشناسان است و اگر برنامه‌های رادیو غیرقابل شنیدن هستند هم به خاطر می‌لرزد. یا لکنت دارند یا صدای جیغ دارند. بعضی از حرف‌ها را بلد نیستند درست تلفظ کنند.

این کارشناسان کسانی هستند که در زمینه‌های مختلفی تخصص دارند از تاریخ جاجیم‌یافی در ایران تا

شجره‌نامه فیدل کاسترو در کوبا و آن رفیق انقلابی‌اش.

اگر برنامه‌های رادیو آموزنده یا در اطلاع‌رسانی موفق

هستند، به خاطر همین کارشناسان است و اگر

برنامه‌های رادیو غیرقابل شنیدن هستند هم به خاطر

می‌لرزد. یا لکنت دارند یا صدای جیغ دارند. بعضی از

حرف‌ها را بلد نیستند درست تلفظ کنند.

این کارشناسان کسانی هستند که در زمینه‌های مختلفی تخصص دارند از تاریخ جاجیم‌یافی در ایران تا

شجره‌نامه فیدل کاسترو در کوبا و آن رفیق انقلابی‌اش.

اگر برنامه‌های رادیو آموزنده یا در اطلاع‌رسانی موفق

هستند، به خاطر همین کارشناسان است و اگر

برنامه‌های رادیو غیرقابل شنیدن هستند هم به خاطر

می‌لرزد. یا لکنت دارند یا صدای جیغ دارند. بعضی از

حرف‌ها را بلد نیستند درست تلفظ کنند.

این کارشناسان کسانی هستند که در زمینه‌های مختلفی تخصص دارند از تاریخ جاجیم‌یافی در ایران تا

شجره‌نامه فیدل کاسترو در کوبا و آن رفیق انقلابی‌اش.

اگر برنامه‌های رادیو آموزنده یا در اطلاع‌رسانی موفق

هستند، به خاطر همین کارشناسان است و اگر

برنامه‌های رادیو غیرقابل شنیدن هستند هم به خاطر

می‌لرزد. یا لکنت دارند یا صدای جیغ دارند. بعضی از

حرف‌ها را بلد نیستند درست تلفظ کنند.

این کارشناسان کسانی هستند که در زمینه‌های مختلفی تخصص دارند از تاریخ جاجیم‌یافی در ایران تا

شجره‌نامه فیدل کاسترو در کوبا و آن رفیق انقلابی‌اش.

اگر برنامه‌های رادیو آموزنده یا در اطلاع‌رسانی موفق

هستند، به خاطر همین کارشناسان است و اگر

برنامه‌های رادیو غیرقابل شنیدن هستند هم به خاطر

می‌لرزد. یا لکنت دارند یا صدای جیغ دارند. بعضی از

حرف‌ها را بلد نیستند درست تلفظ کنند.